

بیست روز تلاش، دلهره، تلاش و دلشوره و سرانجام پیروزی

از ۲۲ آوریل که هیئت کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد ICFTU راهی ایران گردید فعالان جنبش کارگری به تکاپو افتادند تا با فرستادن نمایندگان راستین کارگران به نزدشان به رژیم و اصلاح طلبان اجازه ندهند که تنها صدائی باشند که از طرف هیئت شنیده میشود. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با درست کردن حلقه‌های امنیتی و پراکندن هراس تمام هم خود را بکار برده بود تا هیچ کس جز تایید شدگان به اعضای هیئت نزدیک نشود. در مقابله با این تلاش حلقه‌های ارتباطی گوناگونی تشکیل گردید و با فعالان مختلفی تماس برقرار گردید تا بلکه چند نفری سد امنیتی رژیم را بشکنند و بیدار هیئتی بشتابند که خود از حلقه‌های امنیتی در رنج و خواهان دیدن کارگران از صنفهای گوناگون بود. یکی از این حلقه‌ها اتحاد بین‌المللی حمایت از کارگران در ایران، انجمن کارگری جمال چراغ‌ویسی و بعضی فعالان داخل بود که با تماسهای خود با کارگران سوسیالیست و هیئت تلاش کرد تا سد امنیتی اطلاعاتی‌ها را بشکنند. در نتیجه این تلاشها محمود صالحی، از رهبران سرشناس کارگری، آماده دیدار گردید. اما در اینجا مشکل مترجم وجود داشت. مترجم رسی هیئت همان کسی بود که رژیم بعنوان نماینده کارگران ایران در سازمان جهانی کار جای داده بود. طبعاً نمیشد به چنین مترجمی اعتماد کرد. آقای محسن حکیمی، فعال بنام حقوق کارگری و انسانی، حاضر شد این مهم را به انجام برساند. ایندو شجاعانه دیوار نه توی امنیتی را شکستند و توانستند در روز ۲۹ آوریل با هیئت دیدار کنند. محمود شرایط کار و زندگی کارگران ایران، برخورد سرمایه‌داران و رژیم به آنها و تلاش و مبارزه این طبقه برای احقاق حقوق خود را با ارائه فاکتها به هیئت ارائه دادند. طبق نامه خانم آنا بایوندی برد محمود در همان دیدار به اطلاع اعضای میرساند که کاربدستان رژیم، علیرغم همه تلاش کارگران در سقز اجازه برگزاری بزرگداشت روز جهانی کارگر را نداده و با اینحال او و بقیه کارگران قصد دارند این مراسم را برگزار کنند. در روز

اول ماه، برابر با ۱۲ اردیبهشت کارگران به همراه مهمان خود آقای حکیمی گرد می‌آیند تا راهپیمائی خود را آغاز کنند، اما مورد یورش قرار میگیرند. شرکت کنندگان مقاومت میکنند و مامورین با توحشی تمام ۴۰ تا ۵۰ نفرشان دستگیر را میکنند و شروع به خانه گردی می‌نمایند. درخانه مامورین در جواب اعتراض برحق خانم نجیبه صالحزاده، همسر محمود، به کتک زدن وی میپردازند. توحش ماموران در خانه و خیابان به قصد ارباب است، اما نتیجه عکس میدهد. از همان لحظات نخست کمپینی برای آزادی دستگیر شدگان و مالیدن پوزه رژیم به زمین شروع میشود. مقامات قضائی در همان روزهای اول به جز ۷ نفر بقیه دستگیر شده‌گان آزاد میشوند. این ۷ نفر با اعلام اعتصاب غذا نقطه آغاز و اصلی کمپین میشوند. همسران این دربندان به همراه سایر دلسوزان به عزیزان خود میپیوندند. کارگران در داخل و فعالان در خارج حلقه‌های دیگر کمپین میشوند. در نتیجه این تلاشها بعد از ده روز دستگیر شدگان آزاد میشوند و این شکستی بزرگ برای یکی از هارترین رژیمهای حامی سرمایه در ایران و پیروزی بزرگی برای کارگران میشود. آن دیدار و این تلاش برای برگزاری مستقل روز جهانی کارگر درسهائی در بر دارد، که من به چند تائی از آنها اشاره میکنم:

۱. تلاشی در ایران در جریان است تا با اتکا به راستهای درون جنبش کارگری و با حذف کارگران کمونیست تشکلهائی ایجاد شود تا در همکاری با سرمایه‌داران و حکومت مناسبات کار و سرمایه را در محیطی آرام و مطابق منافع جهانی سرمایه سازمان دهد. در دیدار با هئیت کنفدراسیون اینان قصد داشتند در کنار خانه کارگریها تنها کانال ارتباط باشند. محمود صالحی با عبور از دیوار امنیتی و با قبول خطرهای احتمالی بسیار این نقشه را که مدتهای مدید برای آن کار و بودجه‌گزاری شده بود در هم ریخت و صدای رسای کارگران رادیکال و سوسیالیست گردید. او نشان داد که گرایش سوسیالیستی کارگری و جریانهای رادیکال درون جنبش کارگری را به این سادگی نمیتوان کنار زد. حکومتیان، خانه‌کارگریها، مشارکتیها و نیز اعضای هئیت دریافتند در هر تلاشی که در رابطه با تنظیم روابط کارگری بعمل می‌آید باید

حسابی نیز برای فعالان این گرایش و رادیکالهای درون جنبش کارگری باز کرد. این دستاورد بزرگی است که در شرایط متحول ایران بدست آمده است. با این دیدار چپ دوباره بمیدان آمد و موجب بهت راستها و حکومتیان گردید.

۲. در مورد حرکت اول ماه مه کارگران سقز باید دو نکته را دست نشان کرد:

الف: از همان سالهای آخر دهه ۶۰ شمسی که مسئله فرموله کردن روز کارگر در قانون کار به حکومت اسلامی سرمایه تحمیل گردید نمایندگان گرایش راست در جنبش کارگری در مقابل این خواست سرمایه‌داران که روز ۱۱ اردیبهشت بعنوان روز کارگر ثبت شود تسلیم شدند. فعالان سوسیالیست در همان هنگام گفتند و بر گفته خود پای فشردند که روز کارگر «اول ماه مه» است که یک روز جهانیست و همه گردانیهای جهانی طبقه کارگر همزمان در این روز خاطره کارگران جانباخته در ۱۸۸۶ در شیکاگو را گرامی میدارند و از طریق تظاهراتهای خیابانی و غیره قدرت و خواستههای طبقاتی و مطالباتی خویش بنمایش میگذارند. سوسیالیستها در همانوقت از رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری خواستند که اجازه ندهند ۱۱ اردیبهشت بعنوان روز کارگر شناخته شود و بر فرمول «اول ماه مه» پای فشارند. امسال که بدلیل سال کبیسه روز اول ماه مه به ۱۲ اردیبهشت افتاد اهمیت آن استدلال و تلاش برجسته میشود. جمهوری اسلامی مراسم رسمی را در روز جمعه ۱۱ اردیبهشت برگزار کرد تا طبقه کارگر ایران را از بقیه هم طبقه‌ئی‌های خود جدا کند. کارگران سوسیالیست در ایران مراسم روز جهانی خویش را همزمان با سایر گردانیهای طبقه کارگر برگزار کردند. ولی آنها نه در خیابان و در دل شهرها که در محافل خویش اینکار را کردند. در این میان کارگران سقز به رهبری محمود صالحی خیابانهای شهر سقز را برای بزرگداشت روز همبستگی جهانی طبقه کارگر و اعلام نفرت از سرمایه انتخاب نمودند. این مسئله احتیاج به توضیح دارد.

ب: بزرگداشت اول ماه مه در ایران سنتی نزدیک به یک قرن دارد و هرگاه توازن قوا اجازه داده است کارگران در صفوف متشکل صدها هزار نفره خیابانها و شهرها را میدان تجلی قدرت عظیم

خود کرده‌اند. آخرین نمونه از اینگونه مراسمها برگزاری راهپیمائی شکوهمند ۵۰۰ هزار نفره در اول ماه مه ۱۳۵۸ است. پس از اینکه رژیم جنایتکار سرمایه در ایران کارگران مبارز و شوراهایشان را در سال ۶۰ سرکوب و رهبران کارگری سوسیالیست را اعدام، زندان و یا دربدر کرد برگزاری مراسمهای روز جهانی کارگر با رخسار ضد سرمایه از خیابانها به داخل محافل عقب نشست. این امر ادامه یافت تا گرایش سوسیالیستی - کارگری فرصت یافت فعالانش را این بار در کردستان اشغالی و در سنجلی بمیدان آورد که لانه نیروهای نظامی و امنیتی گوناگون بود. در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ در متینگ پاساژ عزتی، واقع در خیابان قدیم فرح صدای ضد سرمایه از چند هزار نفر برخاست و سرمایه‌داران را مات نمود. این تجمعهای مبارزاتی بازتاب دهنده ضرورت آزادی شورائی، برابری و ارائه کننده خطوط یک قانون کار انقلابی و سراسری شد. در اول ماه مه سالهای ۶۷ و ۶۸ نیز علیرغم دستگیری و زندان و تهدید کارگران سوسیالیست در صفوف چند هزار نفره رخسار شهر را عوض و در معنا آنرا به تصرف خود درآوردند. آنها در این دو مراسم قطعنامه انقلابی خود را دوباره تایید و تکمیل کردند. در مراسم سال ۶۸ رفیق جانباخته جمال چراغ‌ویسی سخنران اصلی اول مه بود. در یورش جنایتکارانه‌ئی که جنایتکاران علیه کارگران سوسیالیست انجام دادند جمال و عده‌ئی از فعالان اول مه و اتحادیه صنعتگر دستگیر شدند و سال بعد عاملان سرمایه جمال را اعدام نمودند تا دیگر کسی فریاد ضد سرمایه و حق خواهانه بر ندارد. پس از برگزاری مراسم سال ۶۹ و گسترش و تشدید ضربات برگزاری مراسمهای اول ماه مه به محافل کارگری و کوه آیدر منتقل شد که آتش افروخته بر آن در روزهای اول ماه سالهای پیش آنرا سبیل این روز کرده بود. امسال کارگران سقز مراسم اول ماه مه را از محافل و دامنه کوهها به خیابانهای سقز بر گردانند. این دستاورد بار دیگر نشان میدهد که علیرغم فشارهای جنایتکارانه رژیم اسلامی سرمایه گرایش سوسیالیستی - کارگری تا حدودی ضربات را جبران کرده و خود را برای پیشرویهای بیشتر آماده میکند.

س: سکوت جریانات راست سیاسی و آنهایی که امیدوارند از طریق سازش در آینده سیاسی ایران به بازی گرفته شوند در مورد حرکت مبارزاتی کارگران در روز جهانی کارگر قابل تامل بود. اینان با سکوت رذیلانه خود کوشیدند تا بار دیگر به بورژوازی و اصلاح طلبان نشان دهند که متحد آنها باقی مانده اند.

۲. در کمپین تلاش برای محکوم کردن رژیم و آزادی زندانیان نیز میشود به نکات زیر توجه کرد:

الف: مقاومت شجاعانه همسران بازداشت شدگان حماسی بود. اینان در مقابل هر اقدام ددمنشانه ماموران از خانه گردی و کتک زدن گرفته تا تهدید و توهین مقاومت نمودند و هر اقدام وحشیانه و هر جمله تهدید آمیز از طرف هر مقامی را به میدانی برای افشای جهانی این ددمنشان تبدیل کردند. آنها اخبار مقاومت قهرمانه همسران خود را آن به آن در اختیار افکار عمومی قرار دادند، به کنفدراسیون نامه‌هایی موثری نوشتند. آنها در نامه‌هایشان روحیه‌ی انسانی و مبارزاتی را به نمایش گذاشتند و تاثیرات مفید و وسیع بجا نهادند. تلاش کاربدستان حکومت برای مرعوب کردن این زنان قهرمان و تفرقه انداختن بین خانواده‌ها به عکس خودش تبدیل گردید. آنها یکی از پایه‌های مهم پیروزی اخیر بودند.

ب: صرف نظر از راستها و نیز معدودی سکتاریست وحدتی شکوهمند در میان فعالان و دلسوزان جنبش کارگری ایجاد شد. این اتحاد کمک کرد تا فعالیتها کمتر پراکنده شود و بیشتر موثر گردد.

علی خدری سخنگوی انجمن جمال چراغ ویسی

تاریخ ۱۳ مه ۲۰۰۴